

پژوهه: پژوهش علمی در جهان عرب از چه جایگاهی برخوردار است؟

استاد زراقت: بسم الله الرحمن الرحيم. در آغاز، از تلاش‌های خالصانه شما، برای پیشبرد آموزش و توسعه پژوهش‌های علمی قدردانی می‌کنم و از فرصتی که برای طرح این موضوع مهم در اختیار من قرار دادید، سپاسگزارم و امیدوارم به آنچه در این‌باره، عنوان خواهم کرد، توجه نمایید.

پژوهش، در زمینه‌ها و رشته‌های مختلف صورت می‌پذیرد، ولی، به نظر می‌رسد که منظور شما، پژوهش در گستره علوم انسانی و اسلامی است. اگر این پرسش را با تمرکز بر وضعیت پژوهش‌های علمی لبنان پاسخ دهیم، باید بگوییم: «لبنان، نمونه‌ای از کشورهای عربی است که در بسیاری از جوانب، مشابه جهان عرب است». ساز و کارهای کشف اهمیت پژوهش علمی در لبنان را می‌توان، از طریق ارائه برخی از عناصر کمی نگر - که در مقام تحلیل، ارزشیابی و نتیجه‌گیری، کاربرد دارند - چنین برشمرد:

۱. میزان بودجه اختصاصی کشورها به امر پژوهش.

۲. نقش پژوهش در ارتقای شغلی استادان دانشگاه.

۳. تعداد کتاب‌ها و مقالات چاپ شده.

۴. تعداد پژوهش‌گران.

۵. تعداد پژوهش‌ها.

- درباره میزان بودجه اختصاصی کشورها به امر پژوهش، به ذکر یک مثال بسنده می‌کنیم:

در دسامبر سال ۲۰۰۳م، دانشگاه جنان، یکی از معتبرترین دانشگاه‌ها در شمال لبنان، به برگزاری همایشی درباره پژوهش علمی اقدام کرد. در پایان این همایش، پیشنهادهایی صادر شد؛ از جمله آنها این‌که از دولت لبنان درخواست شد، یک درصد از مالیات اضافه بر بهای کالاها (TVA) که از شهروندان لبنانی دریافت می‌شود - به امر پژوهش اختصاص یابد. با این‌که درخواست پیشگفته بخشی کوچک از بودجه لبنان را به خود اختصاص می‌داد، به عنوان طرحی مطرود وانهاده شد.

- نقش پژوهش در ارتقای شغلی استادان دانشگاه نیز دارای اهمیت ویژه است.

با این‌که دانشگاه‌های لبنانی به پژوهش‌های علمی استادان بها می‌دهند و آنها را در ارزشیابی سطح علمی استاد و ارتقای رتبه دانشگاهی او مؤثر می‌دانند، جایگاه اصلی خود را نیافته‌اند.

برخی از استادان براساس مقالاتی که حتی در روزنامه‌ها منتشر می‌سازند، حکم ارتقای رتبه می‌گیرند و این‌ها، نشان از فقدان معیارهای سنجشند. دولت لبنان، قانونی مشخص برای رده‌بندی نشریات ندارد و این، خود نشریات هستند که اجازه دارند خود را به عنوان نشریه علمی متقن، معرفی کنند، بی‌آن‌که کنترل یا نظارت قانونی بر آنها صورت پذیرد.

- تعداد کتاب‌ها و مقالات چاپ شده نیز از هزار نسخه در هر چاپ، تجاوز نمی‌کنند. برخی از کتاب‌های مهم به میزان دو هزار نسخه، چاپ می‌شوند. البته، مواردی چون کتاب‌های درسی یا کتاب‌های سطح پایین (آموزش آشپزی یا فنون زیبایی) بیش از کتاب‌های پژوهشی، منتشر می‌شوند.

البته از مواردی نادر که در سال‌های اخیر درباره چاپ کتاب اتفاق افتاد، مجموعه کتاب‌های موسوم به «عالم المعرفة» [= جهان شناخت] بود که با پنجاه هزار نسخه از آن در کشور کویت به چاپ رسید و با بهای اندک، در اختیار مخاطبان خود قرار گرفت.

تعداد پژوهش‌گران در جهان عرب، صد و شش نفر در هر یک میلیون نفر شهروند است. در حالی که در مورد شهرک‌نشین‌های رژیم اشغال‌گر قدس، به ۱۳۹۵ نفر می‌رسد. این امر، نشانگر شکافی عمیق، میان جهان عرب و دشمن خونین است. و خطری بزرگ به شمار می‌رود.

آمار پژوهش‌ها در این زمینه بسیار یأس‌آورند. برپایه‌یکی از گزارش‌ها، تعداد کتاب‌هایی که از دوران خلافت مأمون عباسی تا کنون در جهان عرب، ترجمه شده‌اند، فقط به ده هزار عنوان می‌رسند! در حالی که کشوری مثل اسپانیا، به تنهایی این تعداد را در طول یک سال، ترجمه می‌کند!

شورای ملی پژوهش‌های علمی لبنان - که یک نهاد دولتی و عهده‌دار پشتیبانی از پژوهش‌های علمی است - در سال ۲۰۰۵ م، فقط سی و چهار پروژه پژوهشی را در زمینه‌های مختلف علمی، اعم از کشاورزی، محیط زیست، پزشکی،

بهداشت و ... برای تأمین هزینه‌های مالی، تأیید نمود؛ تنها هفت مورد از رقم یاد شده در زمینه علوم انسانی بودند. البته، منظور من این نیست که این تعداد، نشانگر همه پژوهش‌های علمی در لبنانند. دست کم، بیانگر ناچیز بودن تعداد پژوهش‌های علمی‌اند، نکته مهم آن‌که مدیران این پژوهش‌ها از معتبرترین دانشگاه‌های لبنان هستند.

مطالب پیشگفته، مجموعه‌ای از دستاوردهایی هستند که شایسته دقت و تأملند و تصویری هر چند کلی، از وضعیت فعلی لبنان و سایر کشورهای عربی را منعکس می‌سازند.

درباره کیفیت پژوهش نیز همین بس که گاهی دو یا چند پژوهشگر، هم‌زمان در دانشگاه‌های مختلف درباره موضوعی واحد پژوهش می‌کنند، بدون آن‌که ارتباط و تعاملی با یکدیگر برقرار سازند! این امر در حوزه علمیه نیز به شکل اسفبارتری جریان دارد!

پژوهه: جریان‌های فکری حاکم بر فضای پژوهش‌های علمی چیست؟

استاد زرقاط: بیش‌تر دانشگاه‌های لبنان، در سیطره جریان‌های غیر اسلامی و یا ایستارهای منفی نسبت به اسلام و اندیشه دینی، به سر می‌برند، زیرا، بسیاری از استادان دانشگاه‌ها، دانش‌آموختگان دانشگاه‌های غربی هستند، از این رو، فرهنگ غربی بر نوع نگاه و جهت‌گیری‌های پژوهشی تأثیر می‌گذارد. از این رو، می‌بینیم که دانشگاه‌های لبنان - که دانشگاه‌هایی دولتی هستند - با رساله‌هایی که به موضوع‌های دینی می‌پردازند، با احتیاط برخورد می‌کنند و بسیاری از این نوع پژوهش‌ها را نمی‌پذیرند. هرچند، برخی از دانشگاه‌های ویژه مطالعات اسلامی وابسته به دارالفتوی، دانشکده مطالعات اسلامی اهل سنت، می‌توان به دانشگاه امام اوزاعی، دانشکده مطالعات اسلامی وابسته به دارالفتوی، دانشکده مطالعات اسلامی دانشگاه الجنان، اشاره کرد و از مجامع علمی شیعیان نیز می‌توان، دانشکده اجتهاد دانشگاه اسلامی و دانشگاه آزاد اسلامی - وابسته به جمهوری اسلامی ایران - را نام برد. به طور کلی می‌توان گفت که جریان حاکم بر پژوهش‌های علوم انسانی، جریان سکولاریزم ملی است، که با جریان اسلامگرا، رفتاری میانه دارد، به عبارت بهتر می‌توان گفت که جریان سکولار با توجه به چالش‌های مشترک با جریان اسلامگرا - که مربوط به حکومت‌های محلی و رویارویی اعراب و اسرائیلند - صلح کرده است.

پژوهه: میزان تأثیر این جریان‌ها بر امر پژوهش چقدر است و آیا نهادهای علمی از عهده پاسخگویی به این جریان‌ها برمی‌آیند؟

استاد زرقاط: با توجه به آنچه که در پاسخ به پرسش یکم و دوم گفتم، در تعداد و نوع پژوهش‌های پاسخگو به جریان پیشگفته نیز، ضعف و آفاری وجود دارد. از این رو، بسیاری از نویسندگان و اندیشمندان، بازتاب روشنی را از نوشته‌های خود نمی‌یابند و به نظر می‌رسد که فعالیت‌های اسلامی، در بحث‌هایی دیگر متمرکزند. از این رو، روشنفکر به میزانی که دو طرف را به لحاظ اختلاف در دیدگاه‌ها و زمینه‌های معرفتی، در مقابل هم می‌یابد، هیچ فضایی از گفت‌وگو میان دو جریان را حس نمی‌کند، آنچه نویسندگانی مانند: محمد عابد الجابری، محمد اركون، محمد شحرور، علی حرب، نصر حامد ابو زید و بسیاری دیگر انجام می‌دهند. با توجه به ارزش‌کارهای ایشان - پژوهش‌های آنان قابل تقدیرند، ولی، گاهی این نوع کارها را از سوی شخصیت‌های علمی نیز سراغ نداریم، بلکه، آنان به موضوع‌ها و زمینه‌های کم اهمیت‌تری می‌پردازند.

آنچه مهم است، نیازسنجی کارهای پژوهشی و برنامه‌ریزی بر مبنای نیازها است؛ در این صورت، پژوهش درباره موضوعاتی چون «رجعت» و «ابن عربی» یا «فدک» اولویت‌های پژوهشی نیستند؛ زیرا، در مقابل، موضوعاتی مانند «نیاز بشر به دین در عصر علم»، «آزادی و استبداد» و موضوع‌های مربوط به قضا و نیازهای انسان معاصر، به کسانی واگذار می‌شوند که خارج از دایره دین اسلام به آن‌ها می‌نگرند و چنین وانمود می‌کنند که دین اسلام درباره این قضاها از ایستاری روشن برخوردار نیست.

پژوهه: آخرین پیشرفت‌های پژوهشی در زمینه پژوهش‌های اسلامی، چیست؟

استاد زرقاط: البته پاسخ به این‌که میزان تحولات اساسی علمی جهان عرب در گستره‌های پژوهش‌های اسلامی، به چه اندازه است، قدری دشوار می‌نماید؛ ولی می‌توان گفت که لبنان در مقطع اخیر، مرکزی مهم برای انتشارات - چه در سطح کتاب و مؤسسه‌های پرکار و سودمندی چون «معهد المعارف الحکمیة» و چه در سطح مجلات فکری و به ویژه مجلات اسلامی - به شمار می‌رود و اگر بگویم که مهم‌ترین تولیدات فرهنگی - دینی جهان عرب در نشریات لبنانی، چاپ و توزیع می‌شود و از آن‌جا به سایر کشورهای عربی می‌رود، سخنی گزاف نگفته‌ام.

به عنوان مثال می‌توان به مجلات «المنهاج»، «الحیة الطیبیة»، «المحجة»، «الکلمة»، «المنطق الجدید»، «قضايا اسلامية معاصرة» و «نصوص معاصرة» جز به لحاظ چاپ و توزیع، لبنانی نیستند و در عداد نشریات لبنانی طبقه‌بندی نمی‌شوند، بلکه بسیاری از آن‌ها در خارج از مرزهای لبنان آماده می‌شوند و فقط در لبنان چاپ و از آن‌جا به سراسر جهان عرب توزیع می‌گردند.

اخیراً نیز، صداها موافق و مخالف این نشریات از گوشه و کنار، به گوش می‌رسند. مخالفان با این نشریات، جدال فرهنگی می‌کنند. به عنوان مثال، یکی از نشریات مغربی، در صفحات خود، بخشی را با عنوان «پرونده تشیع در مغرب عربی»، اختصاص داده است و معتقد است که نشریات شیعی، تهاجم فرهنگی شیعه به مغرب عربی به شمار می‌روند. یکی از مقالاتی که سال گذشته در این بخش ارائه شد، «صدور شناخت، پس از صدور انقلاب» (۱) نام داشت. نویسنده در این مقاله، به مهم‌ترین نشریات فکری شیعه که به مغرب عربی وارد می‌شوند، اشاره کرده و به خطر این‌گونه کارها، هشدار

داده است. وی همچنین دلایل توفیق این نشریات را در نفوذ به اذهان فرهنگی مغرب، بررسی کرده است. و اما موافقان، بر این باورند، این نشریات در پرداختن به نوگرایی، دچار زیاده‌روی و در مسائل مربوط به میراث دینی و خواسته‌های فرهنگی داخلی، دچار کوتاهی و تقصیرند. گفتنی است که بسیاری از مقالات ارائه شده در این نشریات، از زبان فارسی برگردان هستند. این امر باید، توجه کارکنان نهادهای فرهنگی ایرانی را به ترجمه متون، به زبان عربی بیش‌تر کند.

پژوهه: نقش شخصیت‌های شیعه در زمینه پژوهش‌های علمی چیست؟

استاد زراقت: تصور می‌کنم که پاسخ این سؤال، باید در خلال پاسخ به پرسش‌های گذشته، روشن شده باشد، ولی به اختصار باید گفت که عرصه فکر و اندیشه از شخصیت‌هایی چون: سید محمد باقر صدر، شیخ محمد جواد معنیه، شیخ محمد مهدی شمس‌الدین و ... خالی است. [شخصیت‌هایی که طی قرن گذشته، هر کدام متون‌هایی بودند که تلاش‌هایی قابل تقدیر در زمینه‌های اساسی و پاسخ‌گویی به بسیاری از پرسش‌ها، انجام دادند]. البته، منظور من آن نیست که عرصه کاملاً خالی است، ولی بسیاری از پژوهش‌گران توانمند و نامور به برنامه‌هایی دیگر مانند کارهای اداری - که وقت را تباه می‌کنند - روی آورده‌اند. به همین دلیل، تلاش‌هایشان در عرصه پژوهش، تجلی نمی‌یابند.

پژوهه: اولویت‌های پژوهشی در جهان عرب، به ویژه در لبنان چیست؟

استاد زراقت: در پاسخ به این پرسش، ابتدا باید اولویت‌ها را به دو گروه بلند مدت و کوتاه مدت، تقسیم‌بندی کرد. به باور من، اولویت‌های پژوهشی بلند مدت در میان همه کشورهای جهان اسلام - حتی شاید همه جهان - مشترکند؛ زیرا، انسان ماهیتی واحد دارد و شرایط مناطق مختلف جهان نیز، به دلیل کاسته شدن بُعد مسافت، شبیه یکدیگر شده‌اند.

یکی از این اولویت‌ها، بحث «ارزش‌ها و نقش آن در سامان‌بخشی به حیات انسان معاصر» است.

اولویت بعدی «نقش دین در ساختن منظومه ارزشی شایسته قرن بیست و یکم» است که اکنون، از مباحث مطرح در سازمان ملل می‌باشد.

مورد دیگر، «دفاع از حریم دین در مقابل تهدیدهای مستقیم و یا غیر مستقیم غرب در زمینه اندیشه اسلامی» است.

برخی از نهادهای پژوهشی غرب، به اجرای پروژه‌هایی اقدام کرده‌اند که می‌توانند در آینده، پیامدهایی خطیر در زمینه مسائل دینی به بار آورد، به ویژه آن‌که ما از سازوکارهای رویارویی و برخورد با این پیامدها، برخوردار نیستیم. برای روشن شدن موضوع، مثالی را عرض می‌کنم. یکی از پژوهشگران غربی، پژوهشی را درباره قرآن کریم به انجام رساند و به این نتیجه رسید که قرآن کریم، چیزی جز یک ترجمه بد و نارسا از کتاب سریانی نیست. وی برای اثبات مدعای خویش، حدود سیصد مورد از واژگان قرآنی را ذکر نموده، ادعا کرد: این واژگان در زبان عرب، معنای قابل قبولی ندارند، در حالی که اگر به ریشه‌های سریانی خود بازگردانده شوند، معنایشان، روشن خواهند شد.

هر چند نمونه‌هایی از مطالب این را که بر آن‌ها اطلاع یافتم، نوشته‌هایی سخیف و بی‌ارزش بودند. بیش‌تر این نوشته‌ها قابل مناقشه و ردّند. از این رو، پژوهش وی را طی مقاله‌ای که در مجله «الحياة الطيبة» به چاپ رسید، به صورت کوتاه رد کردیم. ولی ردّ بایسته و شایسته این پژوهش به آشنایی با دو زبان آلمانی - که زبان نویسنده آن است و زبان سریانی - وابسته است. ولی سؤال این است که در حوزه علمیه جهان تشیع یا حتی در کل جهان اسلام، تعداد پژوهشگران واجد شرایط یاد شده، به چند تن می‌رسند؟

عدم آشنایی ما با زبان‌های خارجی، ضعف بزرگی به شمار می‌رود و این در حالی است که از شرط‌های اساسی اشخاصی که بخواهند در دانشگاه‌های غرب درباره اسلام یا خاورمیانه، پژوهش‌کنند، تسلط بر زبان‌های سریانی، عبری و حتی گاهی زبان عربی و فارسی است.

و اما، درباره اولویت‌های پژوهشی کوتاه مدت در لبنان، می‌توان به طور گذرا به موارد ذیل اشاره نمود:

وحدت اسلامی و مسائل بین مسلمانان، دین و نقش سیاسی آن در جوامع چند دینی، نقش حرکت‌های اسلامی در حاکمیت، اشغال‌گری و ایستار دین در این خصوص، آزادی و استبداد، نقاط اشتراک و اختلاف اسلام و دموکراسی.

پژوهه: مهم‌ترین آفت‌های جریان‌های فکری در جهان عرب چیست؟

استاد زراقت: برای پاسخ به این سؤال می‌توان به چند مورد اشاره کرد.

یک. فروماندن در لاک مسائل پیرامونی و نپرداختن به آنچه که خارج از چارچوب اندیشه متداول در کتب درسی حوزوی است. برخی معتقدند که آنچه که در «بحارالانوار» آمده است، ما را از هر چیز جدیدی بی‌نیاز می‌سازد. بعضی نیز بر این باورند که حکومت‌های معاصر، می‌توانند به قاعده «لاضرر» اکتفا کنند. برخی را نیز اعتقاد بر این است: پرداختن به موضوع‌های جدید، به از بین رفتن هویت حوزوی و خروج از چارچوب آن خواهد انجامید.

دو. خودباختگی و تسلیم شدن محض در برابر غرب، حتی در زمینه پژوهش‌های اسلامی.

سه. هرج و مرج و نبود نهادهای تخصصی پژوهشی، برای برنامه‌ریزی کارهای پژوهشی، مگر در حد چند مؤسسه که تعداد آن‌ها در جهان عرب بسیار کم و محدودند.

چهار. جریان افراط‌گری و گرایش سلفی از سوی برخی از جناح‌هایی که چنین انتظاری از ایشان نیست. این جریان، رو به رشد و گسترش است و فقط محدود به محافل و مجامع اهل سنت نیست؛ بلکه، آواهایی نیز با همین رویکرد از حوزه شیعه، شنیده می‌شود که از هر امر نویی، گریزان است.

پنج. ضعف‌نوگرایی در حوزه علمی و اکتفا به داشته‌های گذشته، به طوری که جز بازتابی اندک از فراخوان نوگرایی و نواندیشی که در طی سال‌های گذشته، بارها از سوی آیت الله خامنه‌ای مطرح شده است مشاهده نمی‌شود.

شش. فقدان ابزارهای اولیه پژوهشی یعنی زبان و کتاب. به عنوان مثال، مجامع اسلامی در بیروت، از کتابخانه در خور توجهی برخوردار نیستند. مهم‌ترین کتابخانه‌ای که شاید توان ارائه خدمات در زمینه مطالعات اسلامی را داشته باشد، کتابخانه دانشگاه اسلامی است که بسیاری از علاقه‌مندان از دسترسی و استفاده از آن محرومند؛ زیرا، کتابخانه این دانشگاه، ویژه دانشجویان و استادان آن است.

پژوهه: مهم‌ترین شبهات موجود در جهان عرب، که نیازمند پژوهشند، کدامند؟

استاد زراقط: شبهات موجود در جهان عرب و غیر عرب، بسیار بیش از آن است که بتوان آن‌ها را در فرصتی کوتاه، ذکر نمود. ولی، می‌توان به شبهه‌افکنی در مواردی چون: اصل و خاستگاه دین، نیاز بشر به دین و جایگاه انسان در منظومه دین، اشاره نمود که به شبهاتی چون ناتوانی دین در پاسخ‌گویی به نیازهای انسان معاصر، آزادی دینی و مجازات مرتد، محدودیت در آزادی قلم و بیان، اسلام و استبداد و غیره می‌انجامد. نیز گفتنی است که پژوهش درباره موضوع‌های مهمی چون مباحث قرآنی و پاسخ‌گویی به شبهات پیرامون آن بسیار ضرور است. در این زمینه، بحثی درباره ارتباط بین قرآن و برخی از انجیل‌های یافته شده در اواخر قرن گذشته و نیز بحث درباره قرآن‌های قدیمی یافته شده، در سقف یکی از مساجد یمن، وجود دارند که غربی‌ها مطالبی بسیار درباره آن نگاشته‌اند، ولی، مسلمانان، جز اندکی، اساساً در جریان این موضوع نیستند.

آخرین رخداد در زمینه علوم قرآنی نیز، ترجمه آثاری از «نولدکه» و «آرتور جفری» بود. کتابی هم با عنوان «الهاجریون» اثر «باتریشا کرونه» و «مایکل کوک»، ترجمه شد. ولی اجازه انتشار نیافت، با این حال امکان دسترسی همگانی به این کتاب، در اینترنت، میسر است.

حال باید گفت که وقت آن رسیده است که با این شبهات با ایستاری، غیر از ایستار تدافعی - که به پژوهش‌ها نیز رنگ و بوی انفعال می‌بخشد - تعامل کنیم. صاحبان اندیشه اسلامی، اندیشه خود را فعال و پویا کنند، تا بتوانند چالش‌های فراروی را حل نمایند، پیش از آن‌که دیگران، آنان را با پرسش‌ها و چالش‌های ناگهانی و غیر مترقبه، مواجه و منفعل سازند.

پژوهه: ایستار کشورهای عربی درباره پژوهش‌های علمی درباره جهان اسلام چیست؟

استاد زراقط: ایستار کشورهای عربی درباره پژوهش‌های اسلامی، بر اساس مبانی فکری آنان، متفاوت است؛ برخی از حکومت‌ها با آنچه با اندیشه اسلامی مرتبط است، موضعی خصمانه دارند و حتی اجازه ورود کتاب‌ها و مجلات دینی را از خارج از مرزهای خود نمی‌دهند، تا چه رسد به آن‌که خود به پژوهش‌های دینی بپردازند. برخی از کشورهای غربی نیز در این زمینه، موضع بی‌طرفی برگزیده‌اند، نه کمک می‌کنند و نه مانع می‌شوند، ولی، از آنجا که پژوهش در کشورهای عربی در سایر زمینه‌ها نیز با رکود مواجه است، طبیعی است که پژوهش‌های اسلامی در این کشورها، راکد باشند.

برخی از کشورهای عربی نیز که از پیشینه دینی برخوردارند و در گذشته، مروج سبکی خاص از اندیشه بوده‌اند، در حال حاضر از خرابی‌ها و ویرانی‌های اندیشه‌های خود در رنجند؛ از این رو، به تجدیدنظر در سیاست‌های گذشته خود آغاز کرده‌اند، ولی خطر این است که تجدیدنظر پیشگفته به بیان و هزینه عرب (به ویژه آمریکا) صورت پذیرد.

در پایان از گرداندگان و مجریان محترم این طرح، سپاسگزارم. تلاش‌های‌شان را ارج می‌نهم و امیدوارم که مرکز جهانی علوم اسلامی، ارتباط با دانش‌آموختگان خود را به طور مستمر ادامه دهد!

پژوهه: ما نیز از توجه حضرت‌عالی تشکر و قدردانی می‌کنیم.